فاجعه سردشت، جنایت علیه یک ملت بود، نه فقط یک قوم

«درخت گردو»؛ ناتورالیسم در دام سانتی‌مانتالیسم

رویا سلیمی

مدتی است پرداختن به اتفاقات تاریخی دهه شصت مورد توجه برخی سینماگران قرار گرفته است. در کنار بازنمایی و تصویرسازی سال‌های ملتهب دهه شصت، آنچه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، رویکرد و نسبت سازندگان این آثار به واقعه تاریخی است. در کنار تلفیق داکیودرام و عناصر ناتورالیستی در این آثار، جهت ترسیم فضا، زمان و مکان وقوع حوادث، دیدگاه فیلمساز نسبت به اتفاقی که روایت می‌کند، اصلی‌ترین عنصر فیلم است. زیرا، روایت گذشته‌نگر، ضمن بازنمایی برخی از وجوه تاریخ، شناخت جدیدی از واقعه تاریخی را بر پرده سینما ممکن می‌سازد.

به گزارش مردم‌سالاری آنلاین، یکی از سینماگرانی که در سال‌های اخیر، در این حوزه طبع‌آزمایی کرده محمدحسین مهدویان است که در میان آثار معدود او پرداختن به اتفاقات دهه شصت خودنمایی می‌کند. اما رویکرد و دیگاه فیلمساز در «درخت گردو» با الصاق محتوایی غیرمستند، مسیر روایت تاریخی را به بیراهه کشانده و نگاه مسلط به فاجعه بمباران شیمیایی سردشت را ضدملی و نامتعارف کرده است. در واقع، ناتوانی فیلمساز در نمایش ابعاد پیچیده و جهانی واقعه بمباران شیمیایی سردشت او را به دام دیدگاهی در برابر هویت ملی ایرانیان و تاریخ اجتماعی ملت ایران کشانده است.

«درخت گردو» روایت جنایت جنگی علیه بشریت در حمله شیمیایی سردشت را دستمایه داستان خود دارد و تا نیمه پایانی، فیلم با دوربینی مستندنما و مشاهده‌گر، به ارائه تصویری از این تجاوز بین المللی در حق ملت ایران می‌پردازد. اما درخت گردو روایت تراژیک و اشک‌انگیزی است که از دل تصویری مستندگونه، در دام سانتی مانتالیسم می‌افتد و روایت خود را به مدد وقایع به شدت احساسات‌برانگیز، برای مخاطب تماشایی می‌سازد. چنانکه تا نیمه فیلم وقتی سرنوشت اوستا قادر با بازی پیمان معادی را دنبال می‌کنیم، مدام این سوال در ذهن ایجاد می‌شود که قصد فیلمساز از این میزان غم و اندوهی که بر مخاطب بار می‌کند چیست و در ادامه برای تبیین این میزان غمی که جنایتی آشکار را حکایت می‌کند، چه تدبیری دارد.

در میان شخصیت‌ها، به جز اوستا قادر که فیلم او را مردی زحمت‌کش و دوستدار خانه و خانواده معرفی می‌کند، دیگر شخصیت‌ها در حد سیاهی لشگرانی هستند که چند دقیقه‌ای او را همراهی می‌کنند. اوستا قادر تک پرسوناژی است با انبوه مصیبتی که در هر سکانس بیشتر می‌شود، اما این سیل بی پایان غم و اندوه، بدون پرداخت درست و به جا و در برخی موارد بدون منطق - همانند ماجرای گم شدن نوزاد- پس از مدتی، مخاطب را نسبت به شخصیت و سپس اصل واقعه بی تفاوت می‌کند و آسیب بی حس شدن مخاطب در فرایند روایت را پدید می‌آورد. شاید حضور چند شخصیت مکمل که به سرنوشت قادر دچار شده‌اند می‌توانست نمایش کامل‌تر و قابل قبول‌تری از فاجعه را در ذهن مخاطب بکارد.

از دیگر موارد غیرمنطقی روایت فیلم این است که قادر باید به تنهایی صلیب این اندوه بی پایان را به دوش بکشد و هیچ نهاد و ارگان ملی و حتی مردم او را در این شرایط مورد حمایت قرار نمی‌دهند؛ درخت گردو، حتی رزمندگان را از ادامه همراهی با اوستا قادر ناتوان نشان می‌دهد. این تنهایی در قاب لانگ شاتی که قادر دو جنازه کودکانش را کفن پیچ شده زیر درخت گردو دفن می‌کند، بیش از آنکه نمایش غربت باشد؛ اوج بی تدبیری فیلم در روایت واقعه و تحریف تاریخی ایثار رزمندگانی است که کیلومترها دورتر از شهر و زادگاه خود و بی هیچ نسبتی قومی در شهر و دیار اوستا قادر جنگیدند و غریبانه شهید شدند.

در اینجا تنها از فرم مستند و سبک داکیودرام برای فضاسازی اتفاق تاریخی استفاده شده، اما گفتمان اثر، نسبتی تاریخی با واقعیت جاری در دوران دفاع مقدس برقرار نمی‌کند. این عدم نسبت تا جایی پیش می‌رود که در طول فیلم مطول «درخت گردو» حتی در لفظ هم اشاره‌ای به مقصر این جنایت نمی‌شود. نامی از صدام و کشورهایی که این سلاح‌ها را در اختیار او قرار داده‌اند برده نمی‌شود و اتفاقا اوستا قادر برای ستاندن داد خود از بیداد زمانه در دادگاه لاهه تنها از حق قوم کرد دفاع می‌کند. از این پس، فیلمساز این جنایت را در حد جنایت علیه یک قوم تقلیل می‌دهد. در این دیدگاه تقلیل گرا،انگار سازندگان و پیشگامان جنایت جنگی بمب های شیمیایی فراموش شده اند. در واقع، درخت گردو تحلیل درستی از فاجعه بمباران شیمیایی به عنوان جنایت جنگی با ابعاد بین المللی ندارد، بلکه امتداد این ظلم بر قوم کرد را در راه باریک پر برفی می‌بینند که کولبران از آن برای تامین درآمد ناچیز خود استفاده می‌کنند و چنین می‌نمایاند که قادر صدایش به جایی نرسیده و غریب و تنها از مظلومیت قوم خود به دادگاه لاهه شکایت می‌کند.

دوربین مستند فیلمساز، چند پلان هم از خیابان‌هایی بارانی و سرسبز لاهه که شهروندان هلندی در صلح و آرامش مشغول دوچرخه سواری و پیاده‌روی هستند، ارائه می‌دهد و چشمان حسرت بار اوستا قادر گویی آرزو می‌کند دختر گمشده‌اش در میان این شهروندان در آسایش زندگی می‌کرد تا اینکه در روستای محروم او چشم به لقمه نانی از کولبری داشته باشد. ارتباط این دو موضوع گویی در کلیت اثر در هم تنیده شده و در ادامه نیز وضعیت مردم کردستان در مقایسه با زمانی که صدام به آنها حمله کرده بود گویا تغییری نکرده است. در سکانس معرف فیلم، اوستا قادر در وضعیتی ناشی از فقر و محرومیت به همراه دیگر اهالی روستا، به کار سخت مشغول است و در زمان حال نیز آنها برای حل مشکلات خود باید چشم به بیرون از مرزها داشته باشند. درخت گردو نه تنها به محکوم کردن کشور متجاوز و بانیان آن نمی‌پردازد، ایستادگی، یاریگری، انسجام ملی و واقعیت را شکل دیگری می‌بخشد و با ارتباط میان کولبران و بازماندگان جنایت سردشت از اهمیت فاجعه می‌کاهد و واقعیت جنایت جنگی تاریخی علیه مردم کرد و ایران را در میان انبوه احساساتی گری گم می‌کند.

۲۴ نقاشی محمد علی در بونامز نیویورک چوب حراج می‌خورد

رونمایی از آثار هنری بزرگ‌ترین مشتزن تاریخ

مجموعه‌ای نادر و کمیاب از طراحی‌ها و نقاشی‌های محمد علی، فوق‌ستاره پیشین و فقید دنیای مشتزنی چند روز دیگر در حراج‌خانه بونامز نیویورک به حراج گذاشته می‌شود. به گزارش هنر آنلاین، این مجموعه ۲۴ قطعه اثر هنری است که بسیاری از آنها طرحی شبیه کارتون و کاریکاتور دارند و پای برخی هم امضای محمد علی به چشم می‌خورد اما آنچه با دیدن نقاشی‌ها و طراحی‌ها بیش از همه دیده می‌شود، علاقه آشکار او به دین و مذهب و البته موضوع عدالت اجتماعی است. ضمن اینکه علی در چند نقاشی خودش را درون رینگ مشتزنی تصویر کرده است. یکی از نقاشی‌ها با نام «نیش زدن بسان زنبور» سال ۱۹۷۸ کشیده شده است؛ زمانی که محمد علی در حال بازی کردن در مجموعه تاریخی «جاده آزادی» بود و مشتزنی را نشان می‌دهد که بالای سر رقیب زمین‌خورده خود ایستاده و این جمله را از زبان رقیب ناکام می‌شنود: «داور، او مانند پروانه شناور است و بسان یک زنبور نیش می‌زند.» مدیران بونامز امیدوارند این نقاشی را در حراجی روز پنجم اکتبر ۴۰ تا ۶۰ هزار دلار بفروشند. گرچه محمد علی را بزرگ‌ترین مشتزن تمام دوران‌ها می‌دانند و همه مردم جهان با زیر و بم زندگی‌اش آشنا هستند اما علاقه او به کشیدن نقاشی پس از تمرین یا بیرون آمدن از رینگ مبارزه چندان شناخته‌شده نیست. آنچه یکی دو روز دیگر در بونامز چوب حراج می‌خورد، آثاری است که از مجموعه و گنجینه رادنی هیلتن براون آمده است. او سال‌ها مربی محمد علی در عرصه هنر نقاشی بود. علی در ۱۹۶۴ و اوج دوران حرفه‌ای خود به دین اسلام گروید و پس از سال‌ها مبارزه با بیماری پارکینسن در ۲۰۱۶ در ۷۴ سالگی درگذشت. «بچه‌های گرسنه می‌سی‌سی‌پی» مربوط به سال ۱۹۶۷ درباره مشتزنی که می‌خواهد برای کمک کردن به کودکان سیاهپوست فقیر مبارزه کند، «آمریکا: زندان بزرگ» مربوط به ۱۹۶۷ و «جنگ در آمریکا» که گمان می‌رود ۲۵ تا ۳۵ هزار دلار چکش بخورد از دیگر آثار نقاشی محمد علی در حراجی بونامز نیویورک هستند. نکته جالب و عجیب در حراجی آثار هنری محمد علی حضور چهار قطعه نقاشی مربوط به کاسیوس کلی بزرگ است. پدر مشتزن بزرگ آمریکایی یک نقاش و هنرمند حرفه‌ای بود و قرار است هر کدام از تابلوهای طبیعت او به قیمت پایه دو تا سه هزار دلار چکش بخورد.

«جنایت بی‌دقت» به برزیل می‌رود

«جنایت بی‌دقت» به کارگردانی شهرام مکری در ادامه حضور بین‌المللی در بخش رقابتی دهمین جشنواره «Olhar» در برزیل به نمایش در می‌آید. به گزارش ایسنا، «آنا سوزا» از مدیران جشنواره بین‌المللی ساندنس ریاست هیات داوران این جشنواره را بر عهده دارد که از ۶ تا ۱۴ اکتبر برابر با ۱۵ تا ۲۳ مهر برپا می‌شود.

این رویداد سینمایی سال گذشته به دلیل همه‌گیری کرونا به شکل انلاین برگزار شده بود، اما در این دوره که به صورت فیزیکی و با حضور تماشاگران برپا می‌شود، بخش بهترین فیلم از نگاه مخاطبان بار دیگر به جشنواره بازگردانده شده است و همچنین «جنایت بی دقت» در بخش «نگاه نو» جشنواره با فیلم‌هایی از کشورهای آلمان، آمریکا، آرژانتین، روسیه، برزیل و... رقابت می‌کند. نسرین میر شب از کمپانی «دریم لب» پخش بین‌المللی «جنایت بی‌دقت» را برعهده دارد. این فیلم محصول «موسسه فرهنگی هنری کارنامه» به تهیه کنندگی نگار اسکندرفر است. «جنایت بی‌دقت» سال گذشته و در جشنواره ونیز اولین نمایش بین‌المللی‌اش را تجربه کرد و پس از آن در ده‌ها جشنواره روی پرده رفته و این نمایش‌ها همچنان ادامه دارد. نگار اسکندرفر امیدوار است که با بهتر شدن شرایط همه‌گیری کرونا در کشور و رونق دوباره سالن‌های سینما، بتوان «جنایت بی‌دقت» را پاییز امسال در ایران به نمایش عموم گذاشت. پخش داخلی فیلم را شرکت نمایش‌گستران در اختیار دارد.

میترا حجار بازیگر «دختری با لباس ارغوانی» شد

فیلم سینمایی «دختری با لباس ارغوانی» به کارگردانی خداداد جلالی به زودی مقابل دوربین می‌رود. به گزارش ایسنا به نقل از مشاور رسانه‌ای پروژه، فیلم سینمایی «دختری با لباس ارغوانی» به نویسندگی و کارگردانی خداداد جلالی این روزها در مراحل پایانی پیش تولید قرار دارد و با انتخاب کامل بازیگران بزودی مقابل دوربین خواهد رفت. پس از قطعی شدن حضور محمدرضا فروتن و سمانه نصری، به تازگی بازیگرانی نظیر میترا حجار، علیرضا استادی، فرهاد طوفان و مریم نعمتی‌نیا، (با معرفی) مصطفی راغب، خواننده جوان موسیقی پاپ نیز به این فیلم عاشقانه پیوسته‌اند. روز چهارشنبه (۱۴ مهر ماه) تست گریم بازیگران توسط مهری شیرازی - که به تازگی به پروژه ملحق شده - انجام می‌شود. ظرف چند روز آتی چند چهره شناخته شده دیگر نیز به این فیلم اضافه خواهند شد. در خلاصه داستان «دختری با لباس ارغوانی» آمده: اتوبوسی که به سوی مقصدی نامعلوم در حال حرکت است و در بین راه مسافرانی را با خود همراه می‌کند. هر یک از مسافران در زمانی نامعلوم داستانی مشترک دارند و در حین سفر با روایتی مواجه می‌شویم که گویا برای تمام شخصیت‌ها آشناست... .عوامل اصلی این پروژه سینمایی عبارت هستند از: نویسنده و کارگردان: خداداد جلالی، تهیه‌کننده: محمد نشاط، مدیر تولید: مجید منفرد، مدیر پروژه: مهران قدکچیان، مدیر فیلمبرداری: شاهین طوفان، صدابردار: عباس رستگاری‌پور، طراح گریم: مهری شیرازی.

نگاهی به نمایشگاه آثار احمد وکیلی در گالری عصر

گذری در دنیای اسطوره‌ها

مریم درویش

وکیلی در مجموعه «جامه‌دران» با الگو گرفتن از گوشه جامه‌دران و سیالیت آن، فضایی سیال در آثارش به وجود آورده است.

به گزارش هنر انلاین، نمایشگاه آثار احمد وکیلی با عنوان «جامه‌دران» در گالری عصر برپاست. این نمایشگاه که همزمان با تولد ۶۰ سالگی هنرمند برگزار شده، دربرگیرنده آثاری است که با نگاهی به موسیقی ایرانی به وجود آمده‌اند.

وکیلی در بهار سال ۹۹ و دوران قرنطینه کرونا درباره فعالیت‌های خود به هنرآنلاین گفته بود: «آثاری را برای یک نمایشگاه آماده کرده‌ام که مربوط به پروژه «جامه‌دران» است. با توجه به اینکه من موسیقی کار کرده و ساز می‌نوازم، نگاه خاصی به ردیف موسیقی ایران دارم. جامه‌دران یک گوشه سیال است که در دستگاه‌های مختلف موسیقی ایرانی وجود دارد، من هم سیالیت آن را گرفته و با سیالیت طراحی ترکیب کردم. همچنان در حال کار روی این پروژه هستم، اگرچه شرایط پیش آمده باعث شد کمی از این مجموعه دور شوم و مشخص نیست چه زمانی بتوانم آن را نمایش دهم.» حال با گذشت بیش از یک سال، سرانجام مجموعه «جامه‌دران» به نمایش درآمده است تا بار دیگر مخاطبان هنر شاهد نقاشی‌های پرشور وکیلی باشند. احمد وکیلی نقاش است اما درعین‌حال یکی از مهم‌ترین هنرمندان چاپگر در هنر معاصر ایران است. از سوی دیگر او به طراح بودن شهرت دارد و در همه این شاخه‌ها آنچه به عنوان سوژه اصلی آثار او دیده می‌شود پرداختن به اسطوره‌ها و عناصر ماورایی است. آثار وکیلی نمود فضایی فیگوراتیو و اسطوره‌ای است و طراحی‌های او روندی از بازنمایی طبیعت انسانی تا فیگوراتیو اجتماعی را در برمی‌گیرد. اما در سال‌های اخیر او به نقاشی از طبیعت نیز نگاه جدی‌تری داشته و با حضور در طبیعت، آثار فراوانی از مناظر گوناگون به وجود آورده و به نمایش گذاشته است. در مجموعه جامه‌دران که در هشت سال گذشته شکل‌گرفته است بار دیگر با همان فضای اسطوره‌ای و فیگورهای انسانی مواجه هستیم که در قاب‌های کوچک پیش چشم مخاطبان قرار گرفته است. وکیلی با الگو گرفتن از گوشه جامه‌دران و سیالیت آن، فضایی سیال را در آثارش به وجود آورده که مهم‌ترین نمود آن عدم وجود مرز مشخص میان عناصر گوناگون تابلو است. در این آثار انسان، اشیا و فضای اطراف چنان درهم رفته‌اند که گاه به توده‌ای رنگین تبدیل می‌شوند و امکان تمیز دادن آن‌ها نیست. در بیشتر کارها می‌توانیم فیگورهایی را ببینیم که در محیطی خالی حضور دارند اما مشخص نیست که چه کاری انجام می‌دهند یا دلیل حضور آن‌ها در این فضا چیست. بااین‌حال بدنه‌ای عضلانی، شاخ‌های روی سر، بال‌های روی شانه یا ترکیب اسب و انسان، حکایت از حضور موجوداتی فراتر از انسان عادی دارد که مانند درختی تنومند از زمین سر برآورده‌اند یا مانند گردبادی درهم‌پیچیده‌اند. حرکات پر قدرت قلم هنرمند همراه با رنگ‌های گرمی که در کنار خاکستری‌ها آمده است، انرژی بیشتری را در فضا به حرکت درمی‌آورد و در کنار این‌ها عنصر خط نیز حضوری پر قدرت دارد. خط‌های روایتگر و گویای یک طراح که در این آثار نیز حضوری موثر دارند و در میان توده‌های رنگ و بافت، فرم‌های گوناگون را خارج کرده و پیش چشم مخاطب قرار می‌دهند. بیننده در میان خط‌ها ، سطوح و فضاهای پرکنتراست فرصت این را دارد که روایت‌ها و داستان‌ها را در فضای ذهنی خود بیابد، همان گونه که اسطوره‌ها زاده ذهن آدمی هستند. نمایشگاه آثار احمد وکیلی تا ۱۹ مهر در گالری عصر به نشانی خیابان میرزای شیرازی شمالی، خیابان دلاویز، پلاک ۱۸ برپاست.

روایت پانیذ نوروزی از نمایش «یک ماجرای خیلی خیلی سیاه»

داستان تخیلی از زندگی هانس کریستین اندرسن

پانیذ نوروزی گفت: نمایش «یک ماجرای خیلی خیلی سیاه» با تلاش یک تیم جوان و باانگیزه برای نخستین بار است در ایران روی صحنه می‌رود. به گزارش ◻نر انلاین، نمایش «یک ماجرای خیلی خیلی سیاه» نوشته مارتین مک دونا با ترجمه علی نوروزی و کارگردانی پانیذ نوروزی از ۲۵ شهریور ساعت ۱۸ در سالن صنوبر پردیس تئاتر شهرزاد روی صحنه است و محمد عبداللهی، جلال احمدپور، میثم نیکخواه، پانیذ نوروزی، اصغر نجف‌پور، گلاره فرشچیان، حمیدرضا رکنی، فائزه زرکش بهاری، علی دلیر، رومینا کاظمی و امیررضا ناروئی بازیگران آن هستند. پانیذ نوروزی در گفت‌وگو با هنرآنلاین درباره جذابیت‌های انتخاب نمایشنامه «یک ماجرای خیلی خیلی خیلی سیاه» برای اجرا گفت: در حقیقت وقتی این نمایشنامه را برای بار نخست خواندم، فکر نمی‌کردم امکان آن وجود داشته باشد آن را کار کنم چرا که به شدت متن سختی است اما این اثر بسیار توجه مرا جلب کرد و علاقمند شدم آن را به صحنه ببرم. او در ادامه عنوان کرد: از این رو دوباره نمایشنامه را خواندم و سعی کردم بخش‌هایی از آن را که اجرایش برایم دشوار است ساده کنم. از آنجا که این متن تا به حال در ایران اجرایی نداشته، کار برایم دشوارتر شد اما بسیار به من انگیزه داد تا اولین نفری باشم که آن را در ایران به صحنه می‌آورم. کارگردان نمایش «مسافر اتاق شماره ۳۷» درباره داستان نمایش «یک ماجرای خیلی خیلی خیلی سیاه» اظهار کرد: این نمایش درباره یک نویسنده داستان کوتاه کودکان به نام هانس کریستین اندرسن است که شخصیت واقعی است و در قرن ۱۸ زندگی کرده و همچنان نیز طرفداران بسیار زیادی دارد و مطمئناً بسیاری حداقل یکی از داستان‌های این نویسنده را همچون «دختر کبریت‌فروش» یا «جوجه اردک زشت» از او خوانده‌اند. اما این نمایشنامه یک داستان تخیلی از زندگی هانس است. هانس در این نمایش داستان‌هایش را خودش نمی‌نویسد. او یک زن آفریقایی را در یک جعبه زندانی کرده که در واقع این زن نویسنده داستان‌هاست و از آینده به گذشته سفر کرده تا جلوی جنگ میان آفریقا و بلژیک را بگیرد.

خبر

تقدیر ویژه هیات داوران زوریخ از فیلم ایرانی

فیلم «قصیده گاو سفید»، تقدیر ویژه هیات داوران بخش رقابتی اصلی جشنواره فیلم زوریخ در کشور سوئیس را دریافت کرد. به گزارش ایسنا، هفدهمین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم زوریخ به کار خود پایان داد و فیلم «قصیده گاو سفید» ساخته بهتاش صناعی‌ها و مریم مقدم و تهیه‌کنندگی غلامرضا موسوی که در دهمین حضور بین‌المللی‌اش در بخش مسابقه اصلی این رویداد حضور داشت در نهایت تقدیر ویژه هیات داوران را به خود اختصاص داد. «قصیده گاو سفید» تنها فیلم ایرانی حاضر در بخش مسابقه امسال جشنواره فیلم زوریخ بود که با ۱۳ فیلم دیگر برای دریافت جایزه چشم طلایی این جشنواره به رقابت پرداخت و در نهایت جایزه به فیلم «کیارا» ساخته «جوناس کارپینیانو» از ایتالیا رسید. این رویداد سینمایی از معتبرترین جشنواره‌های فیلم در اروپا است که هرساله میزبان ۱۱۰ هزار مخاطب حرفه‌ای سینما و ۱۵۰۰ خبرنگار یا آژانس خبری از سرتاسر اروپا و جهان است. دو فیلم «قهرمان» ساخته اصغر فرهادی و «جاده خاکی» ساخته پناه پناهی نیز در بخش خارج از مسابقه این جشنواره به نمایش درآمدند. بنابراعلام، اکران‌های سراسری و گسترده فیلم «قصیده گاو سفید» به زودی و در سطح جهانی آغاز می‌شود.فیلم «قصیده گاو سفید» در نخستین نمایش بین‌المللی خود در بخش مسابقه اصلی هفتاد و یکمین جشنواره فیلم برلین حضور داشت و موفق به دریافت جایزه تماشاگران از این جشنواره شد. این فیلم همچنین موفق به دریافت جایزه بهترین فیلم از سی و چهارمین جشنواره «درنو هیمات‌فیلم» اتریش شد و در سی و هشتمین جشنواره فیلم فجر نیز کاندیدای دریافت سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش اول زن برای مریم مقدم و بهترین فیلمنامه برای مقدم و بهتاش صناعی‌ها شد. همچنین در جشنواره‌های دیگری همچون ترایبکا، کارلووی‌واری، ادینبرو، ملبورن و... به نمایش درآمده است. مریم مقدم، علیرضا ثانی‌فر، آوین پوررئوفی، فرید قبادی، لیلی فرهادپور، سوده ازقندی، امیر شریعت، ماهور احمدی، محمد حیدری، زهرا پرهون، ابراهیم گله‌دارزاده، سمیه برجی، مهدی پیله‌وری، ماندانا معزی‌پور، سمکو روشنی و پوریا رحیمی‌سام بازیگران این فیلم هستند.

اکران آنلاین فیلمی با بازی مهراوه شریفی‌نیا بهرنگ علوی و پوریا پورسرخ

اکران آنلاین فیلم سینمایی «مدیترانه» به کارگردانی هادی حاجتمند از فردا دوشنبه ۱۲ مهر آغاز خواهد شد. به گزارش ایسنا به نقل از روابط عمومی پروژه، فیلم سینمایی «مدیترانه» به کارگردانی هادی حاجتمند و تهیه کنندگی رشید حاجتمند با پایان اکران عمومی در سینماهای کشور، اکران آنلاین خود را از روز دوشنبه ۱۲ مهر ماه به صورت اختصاصی در پلتفرم نمایش خانگی «فیلم‌گردی» آغاز خواهد کرد.همزمان با آغاز اکران آنلاین، جدیدترین پوستر این فیلم سینمایی با طرحی از محمد روح‌الامین رونمایی شد. مهراوه شریفی‌نیا، پوریا پورسرخ، بهرنگ علوی، قاسم زارع، علیرضا اسحاقی و سعید توکلی ازجمله بازیگرانی هستند که در این فیلم بازی کرده‌اند. دومین ساخته بلند هادی حاجتمند، درون مایه‌ای اجتماعی داشته و به زندگی زوج عاشقی می‌پردازد که درگیر معضلات و ماجراهای مختلفی می‌شوند.

«یادنامه داریوش شایگان» انتشار یافت

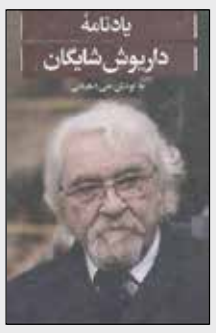

«یادنامه داریوش شایگان» به کوشش علی دهباشی منتشر شد. به گزارش ایسنا، این کتاب در ۱۱۰۰ صفحه و با قیمت ۲۳۰ هزار تومان توسط انتشارات علمی و فرهنگی منتشر شده است. در معرفی ناشر از یادنامه داریوش شایگان می‌خوانیم: «سه سال از مرگ داریوش شایگان می‌گذرد؛ فیلسوفی که سال ۱۳۱۳ در تهران زاده شده بود. پدرش تاجر آذربایجانی بود و مادرش نیز اهل گرجستان. شایگان به اصرار پدر، زبان فارسی را فراگرفت و علاوه‌بر این در مدرسه‌ای فرانسه‌زبان به تحصیل پرداخت. دوران زندگی او با کشف دنیا و به قول خودش «طرز خاصی از دیدن جهان» همراه بود. او زندگی در کشورهای مختلف و همچنین همنشینی با بزرگان مختلف را تجربه کرد. در میان شخصیت‌هایی که شایگان با آن‌ها نشست و برخاست داشته و تحت تأثیرشان قرار گرفته، نام‌هایی همچون علامه طباطبایی و هانری کوربن دیده می‌شود. او که به مطالعاتش درباره تمدن شرق معروف بود، همواره هنر را عاملی مهم برای شناخت راستین هر فرهنگی می‌دانست. داریوش شایگان از قضا یک روز پس از هشتاد و سومین سالگرد تولدش در اثر سکته مغزی به بیمارستان منتقل شد و ۶ فروردین ۱۳۹۷ درگذشت. از او آثاری برجای مانده که می‌توان به نمونه‌هایی چون «آسیا در برابر غرب»، «ادیان و مکتب‌های فلسفی هند»، «پنج اقلیم حضور» و «در جستجوی فضاهای گم‌شده» اشاره کرد. حال و سه سال پس از درگذشت این فیلسوف نامدار ایرانی، انتشارات علمی و فرهنگی به کوشش علی دهباشی کتابی را با عنوان «یادنامه داریوش شایگان» منتشر کرده است. این کتاب ۱۱۰۰ صفحه‌ای شامل ۱۸۰ مقاله درباره آثار، منش و مقام داریوش شایگان است که به قلم صاحب‌نظران، استادان، منتقدان آرا و دانشجویان نوشته شده است. علی دهباشی نیز در مقدمه این کتاب نوشته است: «از اواسط سال ۱۳۹۷ کار تهیه این یادنامه را آغاز کردم. بخشی از مقالات، از نوشته‌هایی است که این‌جا و آن‌جا در این مدت منتشر شده است و با این قصد که در یک مجموعه جمع‌آوری شود در این‌جا آورده‌ام.» مجموعه مطالب این کتاب در ۹ بخش با عنوان‌های «داریوش شایگان، یک دور تمام»، «آثار داریوش شایگان»، «گفت‌وگوهایی درباره داریوش شایگان»، «در سوگ داریوش شایگان»، «سروده‌هایی برای داریوش شایگان»، «گزارش مراسم تشییع، خاکسپاری و یادبود»، «گزارش شب داریوش شایگان در مجلهٔ بخارا»، «مرگ از منظر داریوش شایگان»، «عکس‌ها» و «کتابشناسی» تنظیم شده است. همچنین در میانِ نویسندگان مقالات و یادداشت‌های این کتاب، نام‌هایی چون سروش دباغ، کامرانِ فانی، مصطفی ملکیان، بهاءالدین خرمشاهی، مصطفی محقق داماد، بیژن عبدالکریمی، رسول جعفریان و... دیده می‌شوند.

«هوای حوالی حوا» به‌زودی منتشر می‌شود

مجموعه داستان «هوای حوالی حوا» نوشته کامران داوری‌نیکو به‌زودی نشر می‌یابد. به گزارش هنر انلاین، کامران داوری‌نیکو نویسنده، با این توضیح که مجموعه داستان «هوای حوالی حوا» را در انتشارات کتاب نیستان در دست نشر دارد به هنرآنلاین گفت: این کتاب حاوی دوازده داستان کوتاه با عناوین «قرص جوشان»، «با انگشتان خیس»، «مشروطه»، «هوای حوالی حوا»، «یک داستان مودار»، «کولبر»، «به امید دیدار»، «پروای پروانه شدن»، «درنا»، «باران اسیدی»، «انفرادی دونفره» و «دژاوو» است. او با بیان این که دوازده داستان کتاب مستقل و در عین حال به‌نحوی به هم مرتبط هستند، ادامه‌داد: بهره‌مندی از عناصر بومی و ملی در عین نگاه جهانی، تنوع پیرنگ و تغییر مداوم تم داستان‌ها با توجه به موضوعات روز جامعه، استناد به فرازهایی از تاریخ معاصر، تنوع زبان روایت و تغییر شیوه روایت در هر داستان، ارجاعات بینامتنی و فرامتنی، داستان در داستان، آمیختگی کمدی و تراژدی، پایان‌بندی دور از انتظار و توجه به اقتصاد کلمات و اختصار جملات، ویژگی‌های این مجموعه محسوب می‌شوند. داوری‌نیکو با این توضیح که زمان، مکان و فضای داستان‌ها به فرازهایی از تاریخ معاصر از مشروطه خواهی تا جنگ تحمیلی، از بمباران شیمیایی تا سقوط هواپیمای مسافربری اشاره دارد، افزود: موضوعات روز جامعه هم‌چون معیشت، دشواری‌های فضای مجازی، یاس فلسفی، پوچ پسندی، اهدای عضو، آمار بالای جراحی زیبایی، طبیعت دوستی، حیوان آزاری، کولبری، وفاداری، اسیدپاشی و مرگ آگاهی، دست‌مایه مجموعه داستان «هوای حوالی حوا» قرار گرفته است. در برخی داستان‌ها که اشاراتی تاریخی و واقعی دارند؛ پیرنگ و بن‌مایه از تخیل الهام گرفته شده ولی در پانویس مستندات آن رویداد بیان شده است. شرح ظرایف بومی و مختصات اقلیمی در این کتاب، می‌تواند در آینده مرجعی برای مطالعات مردم‌شناسی، بوم‌شناسی و اتنوگرافی باشد.